



Shahid Bahonar
University of Kerman



Iranian E-Commerce Scientific
Association

Investigating the Impact of Financial Dogmatism, Financial Anxiety and Financial Knowledge on Financial Risk Attitude and Its Impact on Financial Behavior Disorders

Mohammad Sajjad Nazari^{ID*}
Amir Hossein Taebi Noghondari^{ID**}
Hadis Zeinali^{ID***}

Abstract

Objective This research deals with the empirical investigation of financial dogmatism, financial anxiety and financial knowledge on financial risk attitude and its effect on financial behavior disorders.

Method: In this regard, 450 questionnaires were distributed among the investors of Tehran Stock Exchange. Among the 430 collected cases, 398 cases were accepted with minimal errors due to compliance with existing standards in the field of designing, editing, distribution and finally collecting them with the aim of analyzing them by the available software in this field. Also, in order to analyze the collected data and information, structural equation method (SEM) and Amos statistical software version 26 were used. It is worth mentioning that in the final stage, with the aim of achieving more accurate and reliable results for the best conclusion, the maximum likelihood estimation (MLE) method has been used to estimate the value of the unknown parameters.

Results: The results indicate that the financial conservatism variable has a negative and significant effect on the financial risk attitude. Also, the important variables of financial anxiety and financial knowledge together have a positive and significant effect on the variable of financial risk attitude, and finally, the variable of financial risk attitude has a positive and significant effect on destructive financial behavior, which seems meaningful and important from this point of view. Achieving the above results will be very important and effective in improving financial knowledge and variables related to it.

Conclusion: Considering the effect of the variables of financial dogma, financial knowledge and financial anxiety on the variables of financial risk attitude and financial risk attitude on the variable of destructive financial behavior, it is very appropriate and even necessary that capital market

Journal of Development and Capital, Vol. 9, No.2, 15-34

* Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. **Email:** sm.nazari2022@gmail.com

** **Corresponding Author,** Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

Email: taebi@iauk.ac.ir

*** Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. **Email:** hadiszeinali@gmail.com

Submitted: 28 February 2023

Revised: 29 July 2023

Accepted: 20 August 2023

Published: 23 September 2024

Publisher: Faculty Of Management & Economics, Shahid Bahonar University Of Kerman.

DOI: [10.22103/jdc.2023.21141.1365](https://doi.org/10.22103/jdc.2023.21141.1365)

©The Author(s)



Abstract

managers, financial psychotherapists, financial science researchers and psychiatrists with Try to reduce financial anxiety, increase the development of people's financial knowledge with the aim of promoting financial socialization and reducing financial prejudices with appropriate methods and using scientific methods, in order to improve the mental and financial health of society members and investors. Because in the event of a widespread occurrence of destructive financial behavior by investors and failure to think of a solution by the aforementioned officials and natural and legal persons, we will quickly and in a structured manner not only witness the occurrence of destructive financial behavior, but also countless threats to the financial health of the society and decrease We will closely monitor the level of investor satisfaction. In this valley, less investment makes one feel psychologically and financially safe, and as a result, the capital market and other financial markets become empty of investors and real capital, which has dire consequences and effects on all aspects of the economic structure of the country, on all the wealthy and It is evident.and reducing financial dogma in appropriate ways and using scientific methods Because in the event of widespread and widespread occurrence of destructive financial behavior by investors, it will quickly and in a structured way witness not only destructive financial behavior, but also threats to the financial health of the society and a sharp decrease in the level of satisfaction of investors. In this valley, less investment gives a sense of psychological and financial security, and as a result, the capital market and other financial markets will be devoid of real investors and capital.

Keywords: *Financial Fanaticism, Financial Knowledge, Financial Anxiety, Financial Risk Attitude, Financial Destructive Behavior.*

JEL Classification: D8, G32, L20.

Paper Type: *Research Paper.*

Citation: Nazari, M.S., Taebi, A.H., Zeinali, H. (2024). Investigating the impact of financial dogmatism, financial anxiety and financial knowledge on financial risk attitude and its impact on financial behavior disorders. *Journal of Development and Capital*, 9(2), 15-34 [In Persian].



پنجمین مجله تخصصی اقتصاد و مدیریت ایران

مجله توسعه و سرمایه

شماره پانزدهم: ۲۰۰۸-۲۴۲۸ شماره انگیزشی: ۲۶۴۵-۳۶۰۶

Homepage: <https://jdc.uk.ac.ir>



دانشگاه شهید باهنر کرمان

بررسی تأثیر جزم‌نگری مالی، اضطراب مالی و دانش مالی بر نگرش ریسک مالی و تأثیر آن بر رفتار مخرب مالی

محمدسجاد نظری ^{id}*

امیرحسین تائبی نقندری ^{id}**

حدیث زینلی ^{id}***

چکیده

هدف: بررسی جزم‌نگری مالی، اضطراب مالی و دانش مالی بر نگرش ریسک مالی و تأثیر آن بر رفتار مخرب مالی.

روش: ۴۵۰ پرسشنامه بین سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران توزیع گردید. از میان ۴۳۰ مورد جمع‌آوری‌شده، ۳۹۸ از آنها پذیرفته و از روش معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار آماری آموست نسخه ۲۶ برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. همچنین برای برآورد مقدار پارامترهای ناشناخته از روش تخمین حداکثر درست‌نمایی (MLE) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن است که جزم‌نگری مالی بر نگرش ریسک مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین اضطراب مالی و دانش مالی بر نگرش ریسک مالی تأثیر مثبت و معناداری دارند. علاوه بر آن نگرش ریسک مالی بر رفتار مخرب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر جزم‌نگری مالی، دانش مالی و اضطراب مالی بر نگرش ریسک مالی و نگرش ریسک مالی بر رفتار مخرب مالی، شایسته است مدیران بازار سرمایه، روان‌درمانان مالی و محققان علوم مالی بیش از پیش نسبت به بهبود سلامت روان مالی جامعه به وسیله کاهش اضطراب مالی، توسعه دانش مالی اشخاص با هدف بهبود جامعه‌پذیری مالی و کاهش جزم‌نگری مالی از طرق مقتضی سعی باشند، چرا که در صورت بروز گسترده‌تر رفتارهای مخرب مالی، به‌صورت ساختارمند شاهد تهدید سلامت و امنیت روانی مالی جامعه و کاهش شدید سطح رضایتمندی سرمایه‌گذاران فراهم خواهیم بود.

واژه‌های کلیدی: جزم‌نگری مالی، دانش مالی، اضطراب مالی، نگرش ریسک مالی، رفتار مخرب مالی.

طبقه‌بندی L20, G32, D8 JEL

نوع مقاله: پژوهشی.

استناد: نظری، محمدسجاد؛ تائبی، امیرحسین و زینلی، حدیث (۱۴۰۳). بررسی تأثیر جزم‌نگری مالی، اضطراب مالی و دانش مالی بر نگرش ریسک مالی و تأثیر آن بر رفتار مخرب مالی. *مجله توسعه و سرمایه*، ۹(۲)، ۳۴-۱۵.

مجله توسعه و سرمایه، دوره نهم، ش ۲، صص. ۳۴-۱۵

* گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. **رایانامه:** sm.nazari2022@gmail.com

** نویسنده مسئول، گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. **رایانامه:** taebi@iauc.ac.ir

*** گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. **رایانامه:** hadisazeinali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۹ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۷/۲

ناشر: دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

©The Author(s)

DOI: 10.22103/jdc.2023.21141.1365



مقدمه

به نظر می‌رسد موضوع سلامت روان و امنیت روانی افراد جامعه در جوامع مختلف اعم از توسعه یافته، کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته، از محوری‌ترین چالش‌های پیش روی بشریت و دولت‌هاست. بر کسی پوشیده نیست که جوامع سالم و امن دارای چه مزایا و موهبت‌هایی هستند و در برابر آن، جوامع روان پریش و ناامن دارای چه معایب و مصائبی هستند.

شاید بتوان گفت در این میان، مهمترین مؤلفه‌ای که نشان‌دهنده تفاوت و در واقع متمایز کننده طیف جوامع برخوردار از ضریب امنیت روانی بالا تا جوامع کمتر برخوردار از ضریب امنیتی پایین است و از رفتار آحاد جامعه قابل تشخیص و بررسی است، رفتار و نگرش‌های اقتصادی اشخاص آن جامعه است. از این رو می‌توان به اهمیت حوزه مالی رفتاری و اقتصاد رفتاری که در هم تنیده شده‌اند اشاره نمود و مالی رفتاری ادغام اقتصاد کلاسیک و مالی با علوم روانشناسی و دانست. از طرفی، نوع رفتار کلی اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از رفتار اجتماعی، رفتار سیاسی، رفتار فرهنگی، رفتار فردی و رفتار اقتصادی و مالی مهمترین رکن تشخیص جوامع امن و غیر امن است. از طرفی بخش اعظمی از رفتار افراد که خود منتج از باورها، عقاید و تصمیمات است، رفتار مالی است که نشأت گرفته و متأثر از نگرش‌ها، رخدادهای خرد و کلان اقتصادی کشور و تصمیمات افراد است. بنابراین برای پژوهشگران حوزه‌های نوینی از روانشناسی و اقتصاد ایجاد شده است و بسیاری از محققان رفتار مالی، مطالعات خود را به سمت شناخت الگوهای رفتار مالی سوق داده‌اند.

از سویی دیگر همانطور که پیشتر شرح آن رفت، برای مطالعه و بررسی عمیق‌تر رفتارهای مالی و سرمایه‌گذاران در جامعه، شایسته نیست که صرفاً بر روی رفتار مالی سازنده و پیش‌بینی الگوهای رفتاری عادی یا مثبت افراد اکتفا نمود، بلکه ضروری است برای کنکاش و تحقیق پیرامون مقوله رفتار مالی به همه ابعاد و انواع این نوع رفتار، همانند رفتار مخرب مالی که روی دیگر سکه است پرداخت. بنابراین پژوهشگران علوم مالی رفتاری با حوزه‌های جدیدی روبرو هستند که به عنوان رفتار مخرب مالی یا اختلالات رفتار مالی شناخته شده است که ارتباط گسترده‌ای با امنیت روانی و سلامت روان مالی افراد دارد. از گذشته دور تا به امروز در تحقیقات مالی رفتاری، محققان و پژوهشگران به مطالعه و بررسی رفتار مالی سرمایه‌گذاران و آحاد جامعه پرداخته‌اند و در تبیین عوامل تأثیرگذار و پیش‌بینی الگوهای رفتاری مالی مثبت و عادی افراد همچون نحوه پس‌انداز، مدیریت نقدینگی، میزان سرمایه‌گذاری، نحوه مدیریت هزینه، مهارت مالی و ... کوشا بوده‌اند. اما پژوهش پیرامون نوع دیگری از رفتار مالی با نام رفتار مخرب مالی و اختلال رفتار مالی که به نوعی نقطه مقابل رفتارهای مالی عادی و معمول است، مغفول و مهجور مانده است. در حالیکه بروز اینگونه رفتار و تبیین روابط متغیرهای اثرگذار و روابط علی- معلولی آن مستقیماً با بحث سلامت روان جامعه مرتبط است و نه تنها می‌تواند بعد اقتصادی زندگی یک سرمایه‌گذار را در برگیرد بلکه کلیه ابعاد دیگر زندگی او را متأثر خواهد ساخت. همسو با مطالعات مربوط، رفتارهای مخرب مالی اشخاص دارای ابعاد مختلفی به شرح زیر است:

اختلال خرید اجباری یا خرید بیش از حد، احتکار اجباری یا خساست، اعتیاد به کار، وابستگی مالی، توانمندسازی مالی، انکار مالی و درگیری مالی (کلونتز^۱ و همکاران، ۲۰۱۲) (برای مطالعه جزئیات بیشتر، به بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش رجوع شود).

¹ Klontz

حال بر اساس یکی از مفاهیم و آموزه‌های نظریه «کنش مستدل^۱» و نسخه گسترش یافته آن، نظریه «رفتار برنامه‌ریزی شده^۲» که از نظریات پرکاربرد هستند، بروز هر نوع رفتار، اعم از مالی یا غیر مالی از نوع نگرش‌ها و باورهای فرد به مسائل گوناگون که خود ریشه در آموزه‌ها، دانش و اعتقادات فرد است نشأت می‌گیرد. بنابراین افراد و سرمایه‌گذاران ناگزیر، به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه با رجوع به دانش مالی، نوع نگاه جزم‌گرایانه مالی با مفهوم یک ذهن بسته مالی یا در برابر آن نگرش ریسک و حتی میزان سطح اضطراب و تشویش ذهنی خود با هدف دستیابی به اهداف مالی، تصمیمات مالی خود را اخذ می‌نمایند و آن را با بروز رفتار خود به منصفه ظهور می‌رسانند.

در کشورهای توسعه یافته اغلب تحقیقات مرتبط با رفتار مالی، سمت و سوی رفتار مخرب مالی پیدا کرده است و جدیدترین تحقیقات در مورد سلامت روان مالی، مربوط به اختلالات یا رفتار مخرب مالی است (کلونتر و همکاران، ۲۰۱۹؛ کلونتر و کلونتر ۲۰۰۹ و کلونتر و همکاران، ۲۰۰۸). بر پایه بحث مذکور، در دنیای کنونی، علاقه وافری در محققان رفتار مالی به مباحث رفتار مخرب مالی ایجاد شده است. همچنین در ایران نیز به شدت نیاز به انجام تحقیقات در زمینه رفتارهای مخرب مالی وجود محسوس است. از طرفی می‌توان اینگونه استنباط نمود که مفاهیم و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش حاضر، از جمله اضطراب مالی، جزم‌نگری مالی و نگرش ریسک مالی که هر یک از آنها نیز به عنوان موضوعات جدید مطرح هستند و به نظر می‌رسد که می‌توانند به عنوان ریشه‌های رفتار مالی محسوب شوند، با یکدیگر مرتبط هستند. بنابراین نظاره‌گر خلاء تحقیقاتی و نقصان بسیار محسوسی در زمینه‌های عنوان شده در ایران هستیم.

بر این اساس، به طور ویژه با توجه به کاستی و کمبود پژوهش در زمینه‌های موجود در تحقیقات رفتار مالی از نوع مخرب و سایر متغیرهای مورد بحث، این مطالعه به تأثیر رابطه اضطراب مالی، جزم‌نگری مالی، دانش مالی، نگرش ریسک مالی بر رفتار مخرب مالی پرداخته است. بدیهی است مطالعه و تحقیق پیرامون مفاهیم مذکور و تبیین روابط آنها راهگشا و چراغ راه مشاوران، روان‌پزشکان، مالی‌درمانان، محققان علوم رفتاری و مسئولین امر سلامت روانی جامعه و مدیران اقتصاد و بازار سرمایه خواهد شد و با انجام آن گام مؤثری در راستای بهبود سلامت روانی مالی جامعه و ارتقاء ضریب امنیت روانی آحاد مردم برداشته می‌شود. در برابر آن، عدم پردازش به موضوعات مربوط به سلامت روان مالی جامعه و بی‌توجهی به آن موجبات تسری و بروز رفتارهای مالی آسیب‌زا در سطح آحاد جامعه خواهد شد که این خود عدم رضایتمندی مالی و کاهش رغبت سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری و دلسردی آنان را فراهم خواهد آورد. همچنین از منظری دیگر، این مطالعه قادر است به سرمایه‌گذاران که به عنوان نهادی و جزء تقسیم‌بندی می‌شوند، از این جهت کمک نماید که رفتار مالی مخرب خود را شناسایی و در راستای بهبود و یا درمان آن چاره‌اندیشند. همچنین نگرش و دیدگاهشان را، راجع به نوع رفتار مالی خویش و چرایی آن دچار دگرگونی شایانی نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اضطراب مالی

اضطراب مالی یکی از موضوعات مورد علاقه محققان در زمینه‌های برنامه‌ریزی مالی، مشاوره مالی و مالی‌درمانی است. این مفهوم به احساس اضطراب و نگرانی به دلیل وضعیت مالی فرد اشاره دارد (آرچولتا، ۲۰۱۱). برخی محققان مفهوم مذکور

¹ Theory of Reasoned Action (TRA)

³ Archuleta

² Theory of Planned behavior (TPB)

را با اتکاء به معیارهایی همچون اضطراب، تحریک پذیری، مشکل در کنترل نگرانی، مشکل در خوابیدن و عدم دارا بودن تمرکز کافی به جهت عدم اطمینان از درستی سرمایه‌گذاری و اخذ تصمیمات مالی با توجه به شرایط اقتصادی بازارها که به دنبال آن تنش‌های عضلانی و خستگی مفرط را برای شخص به فراهم می‌آورد را به رسمیت شناخته‌اند که اغلب به عنوان یک سندرم روانی-اجتماعی توصیف می‌شود. **گاسیورویسکا^۱ (۲۰۱۴)** در مطالعه خود به این نتیجه رسید که افراد با سطح درآمد بالاتر نسبت به رفتار مالی و تصمیم‌های ناشی از مسائل اقتصادی، اضطراب کمتری را تحمل می‌کنند. همچنین **بل^۲ و همکاران (۲۰۱۴)** نیز در پژوهش خود با استفاده از «تئوری استرس و مقابله برای بررسی عوامل استرس‌زای مالی و مکانیسم‌های مقابله با آن» مشاهده نمودند که میزان سطح اضطراب افراد، ارتباط معناداری با نژاد یا قومیت ندارد. همچنین در پژوهش **گرابل^۳ و همکاران (۲۰۱۹)** نمایان گردید کاهش سطح اضطراب مالی با رضایتمندی مالی ناشی از تصمیمات و رفتارهای مالی ارتباط منفی و معناداری دارد و در پژوهشی دیگر آرامش ذهنی بیشتر و دوری از اضطراب با دانش مالی مرتبط است (**بل و همکاران، ۲۰۱۴**). همچنین مطالعه **گرابل و همکاران (۲۰۱۵)** نشان داد عامل اضطراب مالی در تعیین رفتار مالی مصرف‌کنندگان با هدف نیل به مقاصد مالی مهم است. بنابراین می‌توان استنباط نمود که اضطراب مالی فرد با رفتارهای مالی از نوع سازنده و مخرب که منجر به انتخاب گزینه‌ها و اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌شود ارتباط دارد.

دانش مالی

دانش مالی به درک اساسی یک فرد از امور مالی و اقتصادی اشاره دارد. چنین دانشی به افراد اجازه می‌دهد تا مدیریت امور مالی خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند. در متون علمی این دانش به دو نوع ذهنی و عینی تقسیم می‌شود. دانش مالی عینی به دانش مالی واقعی یک فرد یا سازمان اشاره دارد و دانش مالی ذهنی به ادغام اطلاعات تازه به دست آمده و به سطح اطمینان فرد در هنگام تصمیم‌گیری مالی اطلاق می‌گردد (**وانگ^۴، ۲۰۰۹ و آلبا و هاجینسون^۵، ۲۰۰۰**). محققان در مطالعات خود دریافته‌اند که دانش مالی می‌تواند به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده رفاه مالی شناخته شود. **جو و گرابل^۶ (۲۰۰۴)** در مطالعه خود مشاهده کردند که بین دانش مالی، رضایتمندی مالی و نگرش ریسک مالی افراد تأثیر معناداری وجود دارد، اما جهت رابطه مثبت نشده است. همچنین بر پایه مطالعه **موگندا^۷ و همکاران (۱۹۹۰)**، بین دانش مالی و رضایتمندی مالی رابطه وجود دارد به نحوی که افراد با دانش مالی بالاتر، سعی می‌کنند استانداردهای زندگی خود را از طریق بهینه‌سازی منابع مالی، پرتفوی سرمایه‌گذاری‌هایشان و ریسک‌پذیری بیشتر، بهبود ببخشند تا رضایتمندی مالی بیشتری داشته باشند. درحالی‌که افراد با دانش مالی کمتر، حتی متوجه وضعیت مالی خود نمی‌شوند. این مطلب نشانگر اینست که دانش مالی بر نگرش ریسک مالی برای کسب بازده تأثیر دارد.

جزم‌نگری مالی

زمینه و ریشه‌های بحث جزم‌نگری را باید در بحث بر سر شناخت و باورها جستجو نمود. مباحثه پیرامون باورها و مرزبندی آن با معرفت، از زمان یونان باستان و در نزاع سوفسطاییان و فیلسوفانی چون سقراط وجود داشته‌است. جزم‌گرایی تمایل به بیان عقاید به صورت غیرقابل انکار و بدون احترام به شواهد متضاد، یا نظرات دیگران توصیف می‌شود. فرد جزم‌گرا، فردی است که تصور می‌کند

¹ Gasiorowska

² Bell

³ Grable

⁴ Wang

⁵ Alba & Hutchinson

⁶ Joo & Grable

⁷ Mugenda

همه چیز را می‌داند و یا همه چیز را می‌تواند بداند و جزم‌گرایی در واقع مانع تفکر آزاد یا نقادانه انسان می‌شود (نظری و همکاران، ۱۴۰۱). فردی که جزم‌گراست، در مواجهه با مسائلی که نیازمند یافتن راه حل هستند، قادر به انجام واکنش مناسب نیست (کروسون^۱، ۲۰۰۹ و هانسبرگر و آلتمایر^۲، ۲۰۰۶) و این معضل می‌تواند بر کلیه ابعاد زندگی این فرد از جمله مسائل مالی، تأثیر بسزایی داشته باشد. در رابطه با چگونگی ایجاد جزم‌نگری در افراد می‌توان بیان داشت که ارزش‌ها منشاء افکار هستند که به دنبال ایجاد هر نوع تغییری تغییری در باورهای افراد، می‌توان انعکاس آن را در رفتار اشخاص مشاهده کرد. زمانی که ارزش‌های ریشه‌ای و اهداف معین با یکدیگر ترکیب می‌شوند، یک اندیشه بنیادی متبلور می‌شود. در نتیجه نگرش افراد بر اساس ایدئولوژی‌های متفاوت، ایجاد و تأثیر آن در رفتار آنها ظهور پیدا می‌کند. چنانچه هنجاری با ارزش‌های بنیادین فرد سازگاری نداشته باشد، نگرش‌های منفی حاصل می‌شود. نگرش منفی ایجاد شده، در ذهن فرد تعمیم می‌یابد و به صورت اعتقادات، اندیشه‌های سخت‌گیرانه و متعصبانه منفی در او جلوه‌گر می‌شود که جزم‌نگری را به دنبال دارد. از این رو جزم‌نگری مالی عبارت است از این که فرد اندیشه‌ها و تعصبات حاصل از جزم‌نگری را در تصمیم‌گیری پیرامون مسائل مالی نمود دهد. به عنوان نمونه، فرد کسب درآمد از طریق عدم انجام یک فعالیت فیزیکی مشخص و غیرقابل پیش‌بینی را، غیراخلاقی و ناخوشایند بداند. به عنوان مثال از دید وی سودآوری حاصل از سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار غیراخلاقی و ناعادلانه است و این نوع دیدگاه، می‌تواند به سایر سرمایه‌گذاران تسری یابد (نظری و همکاران، ۱۴۰۱).

بر مبنای جزم‌نگری مالی، سوءگیری در موقعیت‌های مربوط به پول، تأثیر مهمی بر تصمیمات مالی دارد؛ به عبارت دیگر، جزم‌نگری مالی در تصمیمات سرمایه‌گذارانی که نگرش جزم‌نگرانه‌ای دارند نقش دارد و باعث محدودیت شناختی یا انحراف از واقعیت می‌شود که نتیجه آن انجام واکنش‌های غیرعقلایی در موقعیت‌های مذکور است. مضاف بر آن، تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که برخی سرمایه‌گذاران، سهام شرکت‌ها را بر اساس نگرش و رفتار خود انتخاب می‌کنند و اگر شیوه و رویکرد شرکت را از لحاظ اخلاقی پذیرا باشند، سهام آن را خریداری می‌کنند (نظری و همکاران، ۱۴۰۱) و به دنبال آن، در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که مورد تأیید خود باشند، حتی اگر سود پیش‌بینی شده پایین‌تری داشته باشد (کلر و سیگریست^۳، ۲۰۰۶). جزم‌نگری مالی افراد در موقعیت‌های پرریسک، باعث واکنش‌های نابخردانه زیادی می‌شود و به صورت تغییر رفتار افراد در تصمیمات مالی نمایان می‌شود (اسپارکس^۴، ۲۰۲۰؛ اپستود و روس^۵، ۲۰۰۸ و آلن^۶ و همکاران، ۲۰۱۴)، زیرا معنایی که افراد به پول نسبت می‌دهند بر تمایل آنها برای سرمایه‌گذاری در سهام مؤثر است (کلر و سیگریست، ۲۰۰۶) و منشاء آن، دیدگاه آنها در رابطه با خوب یا بد بودن کسب درآمد است، بدین معنا که چنانچه این درآمد تنها از طریق کار فیزیکی کسب شود، وجهه مثبتی دارد (تانگ و چیو^۷، ۲۰۰۳)، بنابراین سرمایه‌گذاران نیز با در نظر گرفتن ملاحظات ذهنی خود تصمیم به خرید و فروش سهام می‌گیرند (وبلی^۸ و همکاران، ۲۰۰۱ و وینت و لوئیس^۹، ۲۰۰۰).

با این حال تا به امروز اطلاعات کمی در مورد تأثیر نگرش‌های پولی مرتبط با ارزش‌ها و مواضع فکری نسبت به بازار سهام بر تصمیم‌گیری افراد برای سرمایه‌گذاری در بازار سهام وجود دارد (کلر و سیگریست، ۲۰۰۶) و تحقیقات مربوط به جزم‌گرایی در

¹ Crowson

² Hunsberger & Altemeyer

³ Keller & Siegrist

⁴ Sparks

⁵ Epstude & Roese

⁶ Allen

⁷ Tang & Chiu

⁸ Webley

⁹ Winnett & Lewis

آنها، دارای دامنه بسیار محدودی دارد (گورنی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). معضل جزم‌نگری مالی می‌تواند بر کلیه ابعاد زندگی یک فرد از جمله مسائل مالی و اخذ تصمیمات منجر به رفتار مالی تأثیر بسزایی داشته و نقش بسیار مخربی در بروز رفتارهای مخرب مالی ایفا نماید. با توجه به این مشاهدات، تأثیر جزم‌نگری مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و ادبیات بسیار نادری در این زمینه وجود دارد. در ایران نیز تاکنون پژوهشی در خصوص این حوزه انجام نشده است.

نگرش ریسک مالی

نگرش ریسک یک اصطلاح ذهنی در سرمایه‌گذاری است و به درک فرد از مفاهیمی که تحت تأثیر تجربه، باور، اعتقاد و نگرش گذشته نسبت به موقعیت‌ها یا فعالیت‌های خاص است اشاره دارد (کارلا و ساهی^۲، ۲۰۱۳). به بیان ریکاردی^۳ (۲۰۰۸)، تحمل ریسک به طور غیر رسمی به عنوان «عامل خواب» نامیده می‌شود، با این معنا که این عامل، سطح ریسکی است که سرمایه‌گذار می‌تواند در نگرش خود بدون از دست دادن خواب شبانه تحمل کند. تحمل ریسک نشان‌دهنده تمایل به پذیرش است. بنابراین در حقیقت به عنوان میزان عدم اطمینانی است که سرمایه‌گذار حاضر است در هنگام تصمیم‌گیری مالی بپذیرد، تعریف می‌شود (انبر و اکر^۴، ۲۰۱۰؛ فاف^۵ و همکاران، ۲۰۰۸ و گرابل و لیتون^۶، ۱۹۹۹). مطالعات پیشین نشان می‌دهند که تحمل ریسک مالی و نگرش ریسک مالی به طور معناداری با یکدیگر همبستگی دارند (کارلا و ساهی، ۲۰۱۳؛ تایگس^۷، ۲۰۰۰ و گرابل و همکاران، ۲۰۱۹). نگرش ریسک مالی با ادراک مالی مرتبط است و رضایتمندی مالی یک فرد موجبات تفاوت در تحمل و نگرش ریسک افراد است. همچنین نوع نگرش ریسک مالی فرد منجر به بروز رفتارها و تعهدات مالی متعدد است (جو و گرابل، ۲۰۰۴). از طرفی کارلا و ساهی (۲۰۱۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند افراد برای افزایش رضایتمندی مالی، سطح ریسک و رفتار مالی خود را به صورت محسوسی تغییر می‌دهد. بنابراین سرمایه‌گذاران برای دستیابی به سطح رضایتمندی مالی مورد نظر خود در طول زندگی، ناچاراً و ناگزیر به اتخاذ تصمیماتی هستند که منجر به بروز رفتار مالی متناسب با آن تصمیم و نوع سرمایه‌گذاری خود باشد تا ثروت خود را افزایش دهند. حال این ریسک می‌تواند به نحوی نشأت گرفته از احساسات و اضطراب‌های فرد باشد که عملاً غیر منطقی و غیر عقلایی محسوب گردد و شخص را ناگزیر به سمت رفتار مخرب و نابخردانه سوق دهد. بر این اساس اغلب ریسک‌ها و اقدامات ریسکی افراد بر مبنای منطقی و ادله عقلایی نیست.

رفتار مالی

حال بر اساس نظریه کنش مستدل و نسخه گسترش یافته آن، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده که از نظریات پرکاربرد هستند، رفتار اشخاص نشأت گرفته از سیستم ارزیابی آنها است. بر پایه نظریه مذکور، هر فرد دارای یک سیستم ارزیابی است که دارای عوامل متعدد تشکیل دهنده مهمی همچون نگرش‌ها، باورها، عقاید، آموزه‌ها و ... است. پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه رفتاری نشان می‌دهد رفتار مالی افراد ریشه در ترکیبی از نگرش، دانش و مهارت‌های آموخته شده، آگاهی‌های اجتماعی، دانش و ویژگی‌های شخصیتی افراد دارد (نورویلیت^۸ و همکاران، ۲۰۰۶ و شیم^۹ و همکاران،

¹ Gurney

² Kalra

³ Ricciardi

⁴ Anbar & Eker

⁵ Faff

⁶ Grable & Lytton

⁷ Tigges

⁸ Norvilitis

⁹ Shim

۲۰۱۰). از سویی دیگر اعتقاد بر این است که رفتار افراد ریشه در باور ها و دیدگاه های عقلایی دارد. بر اساس نظریات موجود رفتار هر فرد نشأت گرفته از نظریه رفتار برنامه ریزی شده و نظریه کنش مستدل است. این نظریه وقوع یک رفتار خاص را بر اساس نیت افراد مورد بررسی قرار می دهد و بیان می کند که چنانچه افراد نگرش مثبتی نسبت به رفتار انجام شده داشته باشند، افرادی که برای او مهم هستند رفتار او را تأیید نمایند و ضمناً باور داشته باشد که انجام رفتار تحت کنترل اوست، آنگاه قصد می کند که آن رفتار را انجام دهد (آجرن، ۱۹۹۱). **آنگولو- رویز و پرگولا،^۲ (۲۰۱۵)** تأیید نمودند رفتار مالی والدین و آموزه های مالی آنان که منجر به افزایش دانش مالی و تغییر نگرش ریسک مالی فرزندانشان می گردد، منجر به تغییر رفتار مالی آنها می شود.

در متون نظری و مطالعات، رفتار مالی به دو دسته رفتار مالی سازنده و رفتار مخرب مالی تقسیم می شوند.

رفتار مالی سازنده

رفتار مالی سازنده عبارت است از رفتاری که هر فرد بر مبنای نوع نگرش و باورهای خود در راستا و با هدف بهبود وضعیت مالی خود همانند پس انداز، بودجه بندی و سرمایه گذاری انجام می دهد (گرابل و همکاران، ۲۰۱۹). این نوع رفتار موجبات تعالی جامعه و هم بهبود وضعیت مالی خود شخص را فراهم می آورد.

رفتار مالی مخرب

در برابر رفتارهای مالی سازنده، نوع دیگری از رفتار وجود دارد که رفتار مالی مخرب یا غیرسازنده نامیده می شود که با توجه به ماهیت و اثرات آن رفتار مالی مخرب نام دارد (کلونتز و همکاران، ۲۰۱۱).

این نوع رفتار را می توان به عنوان الگوهای ناسازگار با نگرش های مالی و رفتارهایی که منجر به پریشانی قابل توجه است نامید (کلونتز، ۲۰۰۹). اختلال در عملکرد اجتماعی یا شغلی، فشار مالی نامناسب یا ناتوانی در لذت بردن از منابع مالی فرد از دیگر نتایج انجام رفتار مخرب مالی است. این نوع رفتار قادر است سلامت روان مالی فرد را تخریب کند و بروز این نوع رفتار نه تنها نشانه عدم سلامت روان است، بلکه در صورت ادامه دار شدن، موجبات عدم تحقق اهداف مالی فرد و در نتیجه ناکامی سرمایه گذار در رضایتمندی مالی او را فراهم آورد.

نگرش های مالی یک فرد از جمله نگرش ریسک مالی، در شناسایی و درمان رفتار مخرب مالی اشخاص مهم است. **گالن^۳**، (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان داد اختلالات پولی و مالی مشکل ساز هستند و این اختلالات را به عنوان عامل عدم تعادل روحی و روانی بیان نمود که خود را با عنوان مشکل مداوم پولی نمایان می سازند. **کلونتز و همکاران (۲۰۱۲)**، بیان داشتند که عدم کفایت درآمد و دانش مالی با رفتارهای مخرب مالی ارتباط آشکاری ندارد و همچنین مطالعه **کلونتز و همکاران (۲۰۱۲)** نمایان ساخت که رفتارهای مخرب مالی با نگرش های یک فرد مرتبط است و در واقع نشأت گرفته از نظام باورها و سایر متغیرهای مالی و غیرمالی است که به هفت دسته اساسی به شرح زیر تقسیم می شوند:

(۱) خرید بیش از حد یا اختلال خرید اجباری

میانگین نرخ پس انداز در جوامع مختلف متفاوت است. اعتقاد و رفتار خرید بیش از حد نیاز در بسیاری از افراد رو به گسترش است، تا آنجا که به عنوان یک اختلال شناسایی شده است و با احساس افسردگی و عزت نفس پایین اشخاص مرتبط

¹ Arjen

² Angulo-Ruiz & Pergelova

³ Gallen

است (کلونتر و همکاران، ۲۰۱۲). این اختلال به عنوان خرید وسواس گونه، مقاومت ناپذیر و خارج از کنترل تعریف می‌شود که منجر به مشکلات مالی، احساس گناه و یا شرم می‌شود و در کار یا روابط نزدیک فرد اختلال ایجاد می‌کند.

۲) خسیس بودن یا احتکار اجباری

تولین^۱ و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود، احتکار اجباری را به عنوان انباشته شدن و نگه داشتن وسایلی که دیگران آنها را اضافی و بی فایده می‌دانند تعریف می‌کنند. این اختلال تا آنجا پیش می‌رود که کیفیت زندگی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و برای اطرافیان آزار دهنده است و با اختلال خرید اجباری مرتبط است. پیتمن و کارل^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه خود، خسیس یا احتکار کننده را به عنوان فردی که ترس از دست دادن پول دارد، نسبت به دیگران بی اعتماد است و از لذت بردن با پول مشکل دارد تعریف می‌نماید.

۳) اعتیاد به کار

اسنپس و رابنز^۳ (۱۹۹۲) در مطالعه خود دریافتند اعتیاد به کار، اعتیادی است که فرد معتاد به شدت درگیر کار است و به دلیل فشارهای روانی که حس می‌کند به سمت انجام کار، تمایل زیادی دارد و باعث می‌شود فرد هنگام کار نکردن احساس افسردگی و گناه نماید. آنها دریافتند معتادان به کار اغلب دارای ویژگی‌های شخصیتی کمال‌گرایی، عدم توانایی تفویض کار به دیگران و دارای استرس شغلی زیاد هستند.

۴) وابستگی مالی

وابستگی مالی به معنای عدم توانایی فرد در برآورده نمودن خواسته‌های مالی و پولی اولیه فرد است. امروزه این نوع وابستگی در بین جوانان شیوع زیادی پیدا کرده است، تا آنجا که برخی ادامه حیات خود را در گرفتن پول از والدین یا دیگران می‌دانند (اشنایدر^۴، ۲۰۰۰). همچنین اندرسن^۵، (۲۰۰۳)، در تحقیق خود دریافت که امروزه بسیاری از زنان صرفاً به دلیل وابستگی مالی و عدم تحقق نیازهای مالیشان در یک ارتباط نادرست باقی می‌مانند.

۵) توانمند سازی مالی

توانمند سازی مالی به معنای ناتوانی در بیان «خیر» به اشخاص یا افرادی از اعضای خانواده است که به صورت مداوم درخواست دریافت پول دارند و شخص ناگزیر به اطاعت امر است (کلونتر و همکاران، ۲۰۰۸).

این نوع رفتار مخرب مالی نقطه مقابل وابستگی مالی است که انجام آن ثمره ای جز پریشانی و ورشکستگی برای شخص در بر ندارد. همچنین شایان ذکر است که فرد مبتلا به این نوع اختلال رفتاری تصور می‌کند که به فرد درخواست کننده کمک می‌کند، غافل از اینکه این شخص را بدون مهارت و دارا بودن حس مسئولیت مالی پرورش می‌دهد.

۶) انکار یا طرد مالی

انکار مالی را تلاش برای فکر نکردن یا کنار آمدن و یا تلاش نکردن برای کسب درآمد تعریف می‌نمایند. مدنیز^۶ (۲۰۰۴) دریافت ۳۶ درصد بزرگسالان معترفند که از فکر کردن راجع به مشکلات مالی اجتناب می‌نمایند. انکار در مورد پول و اجتناب مالی نیز به اشکال دیگری مانند باور وجود پول کثیف، روشن نشده و یا غیر مفیدی است که برای همگان یادآور جزم انگاری مالی است. انکار مالی در واقع یک مکانیسم دفاعی برای کمک به کاهش اضطراب مرتبط با استرس مالی است و عمل رهایی

¹ Tolin

² Pittman & Karle

³ Spence & Robbins

⁴ Schneider

⁵ Anderson

⁶ Medintz

از اجتناب از فکر کردن در مسائل مالی محسوب می‌شود. **کلونتز و همکاران (۲۰۱۲)** در مطالعه خود پی برد که زنان نسبت به مردان، مستعد بروز رفتار مالی انکارگونه بیشتری هستند و کنترل کمتری بر وضعیت مالی خود دارند.

۷) درگیری مالی

درگیری مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که والدین با فرزندان یا وابستگان مالی بر سر مسائل مالی بحث و جدل داشته باشند. این نوع درگیری به عنوان یک نوع دیگر از رفتار مخرب مالی شناخته می‌شود که موجبات استرس و اضطراب را فراهم می‌آورد. **کلونتز و همکاران (۲۰۰۸)** برای توصیف موقعی که والدین کودکان را در امور مالی خودشان درگیر می‌نمایند، اصطلاح «مخارم مالی» را برای این نوع رفتار مخرب مالی مورد استفاده قرار دادند.

جمع‌بندی انتقادی ادبیات تحقیق

بر این اساس همانطور که به تفصیل شرح داده شد، حوزه رفتار مالی از نوع مخرب و غیر سازنده آن، یکی از جدیدترین و مهمترین حوزه‌های پژوهش مالی و اقتصادی است که در دنیای کنونی با توجه به بروز بسیاری از ناهنجاری‌های خواسته و ناخواسته به یکی از چالش‌ها و معضلات جوامع و کشورها بدل شده است، تا آنجا که سیاستمداران و برنامه‌ریزان امور اقتصادی و مالی و همچنین مسئولین و متولیان بهداشت روانی جوامع، برای مرتفع نمودن و تبیین چرایی و چگونگی بروز این رفتار در اشخاص دست به دامان پژوهشگران شده و از آنها یاری می‌خواهند. از طرفی نیز، نظر به نو بودن این حوزه، برای کنکاش و پژوهش در آن برای محققان علوم رفتاری نیز بسیار جذاب است و سعی در پژوهش پیرامون آن دارند. در ایران نیز همانگونه که بررسی شده است، تاکنون تحقیقات قابل ذکر و آکادمیکی در این خصوص صورت نپذیرفته است و در این راستا به شدت فقر مطالعاتی و پژوهشی احساس می‌شود. بویژه آنکه با توجه به وضعیت اقتصادی اشخاص و آحاد جامعه و مشکلات بیشماری که گریبانگیر آن‌هاست، این نیاز نمود بیشتری دارد؛ بنابراین توجه به مبحث رفتار مخرب مالی اشخاص و متغیرهای مرتبط با آن با هدف کشف و توضیح روابط بین آنها بسیار ضروری است، چرا که همواره پیشگیری بهتر از درمان است.

زیربنای تئوریک فرضیات

تحقیقات مبتنی بر نظریه کنش مستدل، نشان می‌دهد که بخش زیادی از اندیشه‌ها و رفتار افراد ناشی از نگرش‌ها و باورهای فرد است (**دیویدف و گرانش، ۲۰۰۷**). به عبارت دیگر جامعه‌پذیری مالی که غالباً شامل آموزه‌ها و مفاهیم مالی مستقیم و غیرمستقیم از محیط پیرامونی است، سبب تقویت و تغییر دانش، تغییر سطح اضطراب، رویکردهای تصمیمات مالی و رفتار مالی افراد می‌شود (**سوراب و ناندان، ۲۰۱۸**).

فرضیه اول: دانش مالی بر نگرش ریسک مالی تأثیر منفی و معناداری دارد.

چنانچه فرد از سطح دانش مالی واقعی برخوردار باشد، به طور حتم می‌داند که لازمه افزایش درآمد و ثروتمند شدن و به تبع آن ارتقاء سطح رضایتمندی مالی، رفتار مالی مناسب و ریسک‌های منطقی و نه ریسک‌های غیر منطقی و احساسی است. به عبارتی همسو با مطالعات و نظر محققان، نگرش ریسک یا خطر می‌تواند خود را از دو دیدگاه منفی و غیر منطقی (تحت تأثیر باورها و احساسات) و ریسک منطقی (برگرفته از مهارت مالی) نشان دهد (**کلر و سیگرست، ۲۰۰۶**). چرا که ریسک

منطقی بر پایه تحلیل و بازده ارتباط مستقیم و معناداری با یکدیگر دارند (کالرا و ساهی^۱، ۲۰۱۳). جو و گرابل (۲۰۰۴) در مطالعه خود دریافتند افراد با دانش مالی سعی می‌کنند استانداردهای زندگی خود را از طریق منابع مالی بهبود بخشند و همیشه رضایت کمتری خواهند داشت، در حالی که افراد با دانش مالی کمتر و موهوم حتی متوجه وضعیت بد مالی خود نمی‌شوند. این مفهوم سازی دانش مالی نشان می‌دهد که سطح دانش مالی یک فرد بر نگرش ریسک مالی تأثیر خواهد داشت. بدین ترتیب، جهت ارتباط بین دانش مالی و نگرش ریسک مالی بد نیز منفی است (سوراب و ناندان، ۲۰۱۸). بنابراین پیش‌بینی اینکه آیا افراد با دانش مالی بهتر چه نوع نگرشی نسبت به ریسک مالی غیرمنطقی دارند دشوار است.

فرضیه دوم: اضطراب مالی بر نگرش ریسک مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

بر اساس تئوری استرس و مقابله (کرون^۲، ۲۰۰۲)، چنانچه فرد نسبت به محیط پیرامونی خود بویژه در دستیابی به اهداف مالی دچار عدم کامیابی شود و همواره سعی در جبران عقب افتادگی‌های مالی خود نماید، این مهم موجب استفاده از مکانیسم‌های دفاعی کنترل استرس و اضطراب همچون ریسک‌پذیری بالا می‌شود، چرا که باور پیدا می‌کند چنانچه تمایل به افزایش ثروت داشته باشد، بایستی الزاماً نگرش ریسک مالی را بپذیرد و به هر قیمتی که شده حتی با تصمیمات غیر عقلایی با ریسک بالا به ثروت و رفاه بیشتری برسد. بر این اساس فشارهای عصبی ناشی از اضطراب و استرس زیاد منجر به انجام تصمیمات غیر عقلایی و متهورانه می‌شود. بنابراین می‌توان استنباط نمود سطح اضطراب مالی با نگرش ریسک مالی و میزان تحمل ریسک توسط سرمایه‌گذار ارتباط مثبت و معناداری دارد. در حالی مطالعات آکادمیک نادری برای آزمایش رابطه بین اضطراب و نگرش‌های مالی افراد همچون نگرش ریسک مالی و رفتار انجام شده است، با این حال، مجموعه‌ای از پژوهش‌های در حال ظهور در مورد اضطراب مالی وجود دارد (شاپیرو و برچل^۳، ۲۰۱۲). همچنین این نوع اضطراب اغلب به عنوان یک سندرم روانی-اجتماعی توصیف می‌شود که با نگرش‌های ناسالم همچون نگرش ریسک مالی، نسبت به نحوه تعامل و مدیریت مؤثر مالی شخصی بروز می‌کند (شاپیرو و برچل، ۲۰۱۲ و برچل، ۲۰۰۳). بدین جهت ادبیات موجود نشان می‌دهد که بین اضطراب مالی اشخاص و نگرش ریسک مالی ارتباط مثبتی وجود دارد.

فرضیه سوم: جزم‌نگری مالی بر نگرش ریسک مالی تأثیر منفی و معناداری دارد.

با گسترش و تسری دیدگاه جزم‌انگارانه مالی به عنوان پیش درآمد بروز رفتار مالی مخرب فردی در ساختار باورها و نگرش‌های افکار آحاد جامعه در مورد افق سرمایه‌گذاری‌ها، میزان مخاطرات، اعتماد به نفس و اطمینان سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نگرش‌های نادرستی شکل می‌گیرد (نظری و همکاران، ۱۴۰۱)، که این موضوع می‌تواند کاهش سطح رضایتمندی مالی فردی از تصمیمات مالی و عدم تحقق اهداف مالی را به دنبال داشته باشد. بدین لحاظ مبرهن است که جزم‌نگری مالی و فرد جزم‌نگر با توجه به تعاریف و متون موجود، به دلیل اینکه اساساً نسب به پول، درآمد و ثروت نگرش بدبینانه و بسته‌ای دارد، به سمت و سوی نگرش و انجام هیچ‌گونه ریسکی بویژه از نوع مالی نمی‌رود. به عبارتی فرد جزم‌نگر، نگرش ریسک مالی پایینی دارد. بنابراین انتظار می‌رود بین نگاه جزم‌اندیشانه و نگرش ریسک مالی ارتباط منفی و معناداری را شاهد باشیم.

فرضیه چهارم: نگرش ریسک مالی بر رفتار مخرب مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

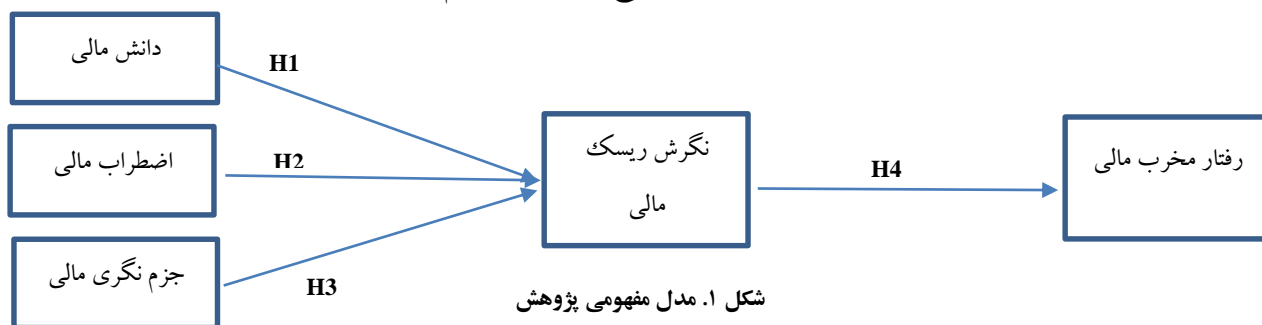
همانطور که شرح آن رفت، چنانچه فرد در طول زندگی خود سطحی از اضطراب مالی را تجربه نماید، منجر به بروز

¹ Sahi & Kalra

³ Goswami

² Krohne

مخاطرات سلامت روان خواهد شد که این خود بر نگرش‌ها، باورها، تصمیمات و رفتارهای مالی و غیرمالی فرد تأثیر دارد. یکی از مهمترین این نگرش‌ها، ریسک مالی است که به صورت ساختارمند و با برنامه ریزی قبلی رفتار مالی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در حوزه تصمیم‌گیری‌های مالی، نگرش نسبت به ریسک مالی یک عنصر حیاتی است (گوسوامی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷)، که منجر به شکل‌گیری رفتار مالی مخرب می‌گردد. بر این اساس نگرش ریسک مالی موجبات ایجاد اختلال در تصمیم‌گیری‌های منطقی و صحیح اشخاص می‌شود که بروز رفتار مخرب مالی و غیرمالی آنها را به دنبال دارد. بنابراین انتظار می‌رود بین نگرش ریسک مالی و بروز رفتار مالی مخرب ارتباط مثبت و معناداری وجود داشته باشد. با توجه به مبانی نظری و تجربی، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل (۱) ترسیم شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پرسشنامه این پژوهش در بخش اول به اطلاعات جمعیت‌شناسی از قبیل سن، جنسیت، تحصیلات و درآمد پاسخ‌دهندگان اختصاص دارد. بخش دوم مختص اندازه‌گیری متغیرهای دانش مالی، جزم‌نگری مالی و نگرش ریسک مالی هر یک با چهار سؤال جداگانه و اضطراب مالی با شش سؤال است. همچنین در بخش پایانی تعداد ۲۱ سؤال آن مربوط به سنجش هفت بعد رفتار مخرب مالی بود. همچنین در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران در حالت جوامع آماری بسیار گسترده اقدام به نمونه‌گیری شده است. قابل ذکر است، در این راستا ۴۵۰ نسخه پرسشنامه بین سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران توزیع شده است که از میان ۴۳۰ مورد جمع‌آوری شده، ۳۹۸ پرسشنامه مورد پذیرش واقع گردید. با توجه به ضرورت رفع خطای نمونه‌گیری، همانطور که بیان گردید، تعداد پرسشنامه‌های پذیرفته‌شده در این پژوهش، تعداد ۳۹۸ مورد است که بیش از تعداد حداقل فرمول مذکور (۳۸۴ مورد) است.

ابزارهای پژوهش و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پایایی و روایی پرسشنامه

باهداف سنجش ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه این پژوهش، در گام نخست به منظور مطابقت با مفاهیم مورداندازه‌گیری در اختیار اساتید این حوزه قرار گرفت. همچنین از معیار روایی همگرا (AVE) که یک شاخص کمی برای سنجش روایی است استفاده شد. این معیار از بارهای عاملی مربوط به هر سؤال برای سنجش آن استفاده می‌کند. روایی همگرا زمانی وجود دارد که مقدار معیار موردنظر از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد. در گام دوم برای سنجش پایایی درونی پرسشنامه از آزمون آلفا کرونباخ و شاخص بروزتر آن پایایی مرکب استفاده شد که معیار تائید آزمون‌های مذکور بالاتر از ۰/۷ است. و در نهایت و در گام سوم نیز، از تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین میزان معتبر بودن مدل، مناسب بودن بار عاملی و میزان مناسب بودن مدل اندازه‌گیری استفاده شد (هیز^۲، ۲۰۱۸).

¹ Shapiro & Burchell

² Hayes

روش‌شناسی مدل معادلات ساختاری

شایان ذکر است که در تحقیق حاضر از روش معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار آماری آموس نسخه ۲۶ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. همچنین برای پیش‌بینی مقدار پارامترهای ناشناخته از روش برآورد حداکثر درست‌نمایی (MLE) استفاده شده است. توضیح اینکه در روش مذکور اولاً بایستی داده‌ها به صورت نرمال توزیع شوند و برای این منظور ضریب کشیدگی هر متغیر باید کمتر از ۷ و ضریب چولگی بین ۲+ و ۲- باشد، ثانیاً متغیر وابسته باید پیوستگی داشته باشد (فیلد^۱، ۲۰۱۳ و برن^۲، ۲۰۱۳)، که توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش حاضر ضمن نرمال بودن، معیارهای یاد شده را دارا هستند. همچنین خاطر نشان می‌سازد که تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول پایایی برای ارزیابی پایداری و سازگاری گزینه‌های موردسنجش و در مرحله دوم ارزیابی درجه درست‌نمایی و برازش برای مدل معادلات ساختاری و آزمون مسیرهای فرضی انجام شده است. با این توضیح که مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) یک تکنیک است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به صورت هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. همچنین مدل یابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی پیرامون روابط متغیرها مشاهده شده است (هیز، ۲۰۱۸).

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

در جدول ۱ آمار توصیفی حداقل و حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه شده است. برای اندازه‌گیری این متغیرها از طیف لیکرت (۱ تا ۵) استفاده شد. همانطور که در جدول مذکور درج شده است، میانگین‌های متغیر دانش مالی (۳/۷۴)، اضطراب مالی (۳/۷۵)، نگرش ریسک مالی (۳/۵۹)، و رفتار مخرب مالی (۳/۱۳) است که همگی از سطح متوسط بالاتر هستند. همچنین جزم‌نگری مالی (۱/۹۱) است.

جدول ۱. آمار توصیفی

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
دانش مالی	۳/۷۴	۱/۰۳	۱	۵
اضطراب مالی	۳/۷۵	۱/۰۱	۱	۵
ریسک مالی	۳/۵۹	۱/۱۷	۱	۵
جزم‌نگری مالی	۱/۹۱	۱/۱۵	۱	۵
رفتار مخرب مالی	۳/۱۳	۰/۸۸	۱	۵

آزمون‌های پایایی و روایی

در پژوهش حاضر، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای تعیین میزان معتبر بودن مدل، مناسب بودن بار عاملی و مدل اندازه‌گیری استفاده شد و سازه‌ها به صورت جداگانه و همه با هم مورد بررسی قرار گرفتند (به‌عنوان یک مدل واحد اندازه‌گیری). تحلیل عاملی تأییدی نیاز به سه معیار دارد، ابتدا اینکه هر سازه با شاخص‌های خودهمبستگی داشته باشد. دوم، بایستی بار عاملی برای همه شاخص‌ها حداقل ۰/۵ باشد و سوم، مدل از برازش مناسبی برخوردار باشد. همچنین در تفسیر بارهای عاملی باید به این نکته توجه نمود که بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. بدون در نظر گرفتن علامت بارهای عاملی، اگر

^۱ Field^۲ Byrne

بار عاملی بالاتر از ۰/۵ باشد مطلوب است. سؤالات ابعادی از متغیر رفتار مخرب مالی که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند حذف شد. چنانچه آلفا کرونباخ و پایایی سازه بیش از ۰/۷ باشد پایایی سازه قابل قبول است (هیر و همکاران، ۲۰۱۰). تمامی متغیرهای پژوهش دارای پایایی مرکب و آلفا کرونباخ بالاتر از ۰/۷ هستند که نشان‌دهنده‌ی پایایی قابل قبول متغیرها است. بر اساس نتایج جدول ۲ روایی همگرایی سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده‌ی همگرایی خوب سازه‌های مفهومی است (هیر و همکاران، ۲۰۱۰). در جدول مذکور، معیار روایی همگرا (AVE)، پایایی مرکب و آلفا کرونباخ همچنین بار عاملی سؤالات هر یک از متغیرها، شامل دانش مالی با نماد لاتین (KNOW)، اضطراب مالی با نماد لاتین (ANXITY)، جزم‌نگری با نماد لاتین (DOGM)، ریسک مالی با نماد لاتین (RISK) و رفتار مالی مخرب با نماد لاتین (BEH) ارائه شده‌اند.

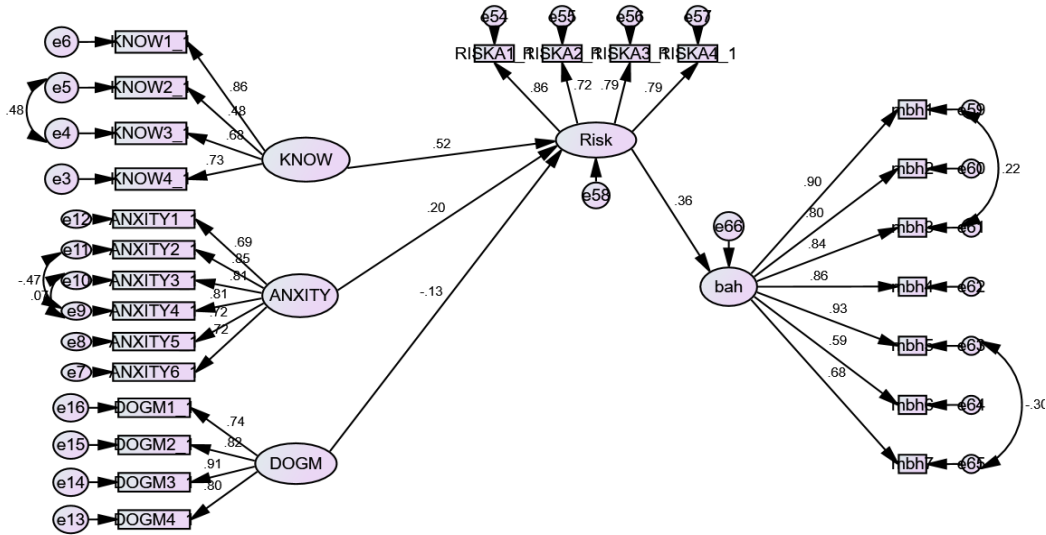
جدول ۲. معیار AVE، روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری

متغیرهای پژوهش	آلفا کرونباخ	پایایی مرکب	همگرایی (AVE)	بار عاملی	متغیرهای پژوهش	آلفا کرونباخ	پایایی مرکب	همگرایی (AVE)	بار عاملی
KNOW	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۵۰	Risk	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۶۲		
KNOW1				RISK1				۰/۸۶	۰/۸۶
KNOW2				RISK2				۰/۴۸	۰/۷۲
KNOW3				RISK3				۰/۶۸	۰/۷۹
KNOW4				RISK4				۰/۷۳	۰/۷۹
ANXITY	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۵۹	BEH	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۶۵		
ANXITY1				BEH1				۰/۶۹	۰/۹۰
ANXITY2				BEH2				۰/۸۵	۰/۸۰
ANXITY3				BEH3				۰/۸۱	۰/۸۴
ANXITY4				BEH4				۰/۸۱	۰/۸۶
ANXITY5				BEH5				۰/۷۲	۰/۹۳
ANXITY6				BEH6				۰/۷۲	۰/۵۹
DOGM	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۶۷	BEH7					۰/۶۸
DOGM1								۰/۷۴	
DOGM2								۰/۸۲	
DOGM3								۰/۹۱	
DOGM4								۰/۸۰	

تجزیه و تحلیل مسیر متغیرهای انواع مدل‌های معادلات ساختاری (SEM)

تجزیه و تحلیل مسیر متغیرها بر اساس روش‌شناسی معادلات ساختاری (رجوع به قسمت روش‌شناسی) در مدل شکل (۲) بررسی شده است. که مسیر $KNOW \rightarrow RISK$ رابطه بین دانش مالی با نگرش ریسک مالی سرمایه‌گذار و مسیر $ANXITY \rightarrow RISK$ رابطه بین اضطراب مالی با نگرش ریسک مالی سرمایه‌گذار، مسیر $DOGM \rightarrow RISK$ رابطه بین جزم‌نگری مالی با نگرش ریسک مالی سرمایه‌گذار و مسیر $RISK \rightarrow BEH$ رابطه بین نگرش ریسک مالی با رفتار مالی مخرب سرمایه‌گذار را تحلیل می‌نماید. در این پژوهش از شاخص مجذور کای (CMIN)، شاخص نرم شده مجذور کای (CMIN/df)، جذر برآورد

واریانس خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص برازش نسبی (RFI) برای بررسی چگونگی برازش مدل استفاده شده است. جدول ۵ نشان می‌دهد که برازش مدل‌ها با توجه به اینکه دارای سطح بالایی از شاخص‌های نیکویی برازش بوده‌اند، در مجموع مناسب ارزیابی شده‌اند.



شکل ۲. مدل پژوهش
جدول ۳. برازش مدل‌ها

مدل	حد قابل قبول	معیار برازش مدل
۷۷۷/۹۴		CMIN
*	کمتر از ۰/۰۵	P
۲/۹۱	بین ۱ تا ۵	CMIN/df
۰/۰۷	کمتر از ۰/۰۸	RMSEA
۰/۸۵	بیش از ۰/۹۰	GFI
۰/۹۱	بیش از ۰/۹۰	CFI
۰/۸۵	بیش از ۰/۶۰	RFI

* ۵ درصد است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج حاکی از آن است که فرضیه ۱ مردود است، چرا که در مدل ساختاری و نتایج پژوهش حاضر، ضریب مسیر متغیرهای مربوط به فرضیه مذکور مثبت است، در صورتیکه بر اساس بسط این فرضیه ضریب مسیر متغیرهای دانش مالی و نگرش ریسک مالی منفی فرض شده بود. همچنین رابطه متغیر اضطراب مالی با نگرش ریسک مالی در سطح ۹۵٪ معنادار و علامت ضریب مسیر مثبت است، در نتیجه جهت رابطه نیز مثبت است که نشان از تأیید فرضیه ۲ می‌دهد (مدل تحقیق). به علاوه رابطه بین متغیر جزم‌نگری مالی با نگرش ریسک مالی در سطح ۹۵٪ معنادار و علامت ضریب مسیر منفی، بنابراین جهت رابطه منفی است در

نتیجه فرضیه ۳ پذیرفته می شود (مدل تحقیق) و در نهایت، رابطه بین متغیر نگرش ریسک مالی با رفتار مخرب مالی در سطح ۹۵٪ معنادار و علامت ضریب مسیر مثبت است، بنابراین جهت رابطه مثبت و فرضیه ۴ نیز تأیید می گردد و به صورت خلاصه در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل مسیر مدل های (۱،۲،۳)

مدل	مسیر	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
۰/۵۲	KNOW → RISK	ریسک مالی	دانش مالی
*۰/۲۰	ANXITY → RISK	ریسک مالی	اضطراب مالی
-۰*/۱۳	DOGM → RISK	ریسک مالی	جزم‌نگری مالی
*۰/۳۶	RISK → BEH	رفتار مخرب مالی	ریسک مالی

* معناداری در سطح ۵ درصد است.

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج	فرضیه
غیر قابل قبول	شماره ۱
قبول	شماره ۲
قبول	شماره ۳
قبول	شماره ۴

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

در این پژوهش تأثیر بین جزم‌نگری مالی، اضطراب مالی، دانش مالی بر نگرش ریسک مالی و رفتار مخرب مالی بررسی شد و نتایج به شرح زیر خلاصه می‌شود:

فرضیه ۱: با توجه به نتایج حاصل از اولین فرضیه، انتظار بر این بود اشخاص با دارا بودن دانش مالی عمیق‌تر و بهتر، نسبت به ریسک‌های مالی نگرش منفی‌تری پیدا نمایند و رابطه بین آنها منفی باشد. اما نتایج حاصل از آزمون فرضیه مذکور این فرضیه را مردود اعلام نمود. در توضیح چرایی این رویداد می‌توان اینگونه بیان نمود که به نظر می‌رسد که پاسخ دهندگان نمونه مورد بررسی، از دانش مالی واقعی مناسبی برخوردار نبودند و آنچه را که به عنوان دانایی خود از علوم مالی می‌پنداشتند را به صورت سطحی و پراکنده و از منابع غیر علمی کسب نموده‌اند. به عبارتی، دارا بودن این نوع دانش را می‌توان به عنوان توهم دارا بودن دانش مالی عنوان نمود که با دانش مالی واقعی و آکادمیک مغایر است. این مفهوم را می‌توان بدین صورت تعبیر نمود که دانش مالی اشخاصی که در بازارهای سرمایه پا می‌گذارند با شدت رشد و پویایی اقتصادی و ابزارهای مالی همخوانی ندارد و همانطور که در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم می‌توان به وضوح خلاء دانش مالی واقعی سرمایه‌گذاران را مشاهده نمود، در کشورهای توسعه یافته، این علوم حتی در مقاطع متوسطه دانش‌آموزی به نوعی منتقل می‌گردد و دولت‌ها و مدیران اقتصادی از طرق مختلف سعی در استفاده از ابزارهای جامعه‌پذیری مطلوب در این زمینه را دارند. در کشور ما نیز، متأسفانه سرعت همگرایی بین علوم اقتصادی و مالی در دنیای کنونی و مجامع آموزشی وجود ندارد که همین امر سبب ایجاد نوعی توهم دانایی مالی در بین سرمایه‌گذاران است.

فرضیه ۲: بر اساس نتایج برگرفته از فرضیه دوم، افزایش اضطراب مالی، افزایش نگرش ریسک مالی را به دنبال دارد. توضیح اینکه سرمایه‌گذارانی که به دلایل متعدد از جمله کاهش ارزش پول، تورم فزاینده، ناتوانی در افزایش درآمد و دارایی‌های خود، احساس عقب ماندگی و عدم رضایتمندی مالی می‌کنند، در می‌یابند که بایستی نگرش ریسک خود را با هدف ارتقاء بازده بیشتر تغییر دهند. و در واقع این به منزله ایجاد یک مکانیسم دفاعی در برابر تشویش ذهنی و اضطراب فزاینده و استرس ناشی از مسائل محسوب می‌شود. اما در این میان دست به انجام ریسک‌های پر خطر می‌زنند. بر این اساس بین اضطراب مالی و نگرش ریسک مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و با نتایج پژوهش (گرابل و همکاران، ۲۰۱۹) تطبیق دارد.

فرضیه ۳: بر اساس نتایج برگرفته از فرضیه سوم، افزایش جزم‌نگری مالی، سبب کاهش نگرش ریسک مالی می‌شود. زیرا اشخاص دلیلی برای انجام مخاطره و تحمل ریسک نمی‌بینند و اساساً به افزایش ثروت، رفاه و کسب درآمد با انجام اقدامات و تصمیمات پر خطر باور ندارند. لذا با افزایش جزم‌نگری نگرش ریسک مالی افراد کاهش می‌یابد و بین آنها ارتباط منفی و معناداری مشاهده شد.

فرضیه ۴: نتایج حاصل از فرضیه چهارم حاکی از آن است که با افزایش نگرش ریسک مالی بروز رفتار مخرب مالی افزایش می‌یابد. چرا که الگوی رفتاری اشخاص ریشه در نظام باورها و نگرش‌های آنها دارد. بنابراین سرمنشاء رفتار مالی نابهنجار و مخرب افزایش نگرش ریسک مالی و باورهای مربوط به آن است. در توضیح دقیقتر این مطلب همانطور که شرح پیشتر به تفصیل بیان شد، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که که بروز رفتار مخرب مالی افراد به دلیل نوع نگرش‌ها، آموزه‌ها، باورها و عقاید افراد است که یکی از این نوع نگرش‌ها، نگرش ریسک مالی است که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. بر این پایه مشخص شد که نگرش ریسک مالی با بروز رفتار مخرب مالی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد. که همراستا با نتایج پژوهش (کلونتر و همکاران، ۲۰۱۲ و کلونتر و همکاران، ۲۰۱۹) است.

همسو با انتظارات نظری و تئوری‌های کنش مستدل و استرس و مقابله با آن، تحقیقات تجربی نیز نشان داده‌اند افراد، هم راستا با نوع نگرش‌ها، باورها، عقاید و همچنین عوامل درونی و بیرونی همچون الگوی ژنتیکی، اضطراب، نوع جامعه‌پذیری، تجربه و دانش، رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند. لذا در این مطالعه که از حیث نوآوری و جدید بودن جزء اولین‌ها در ایران است سعی در تبیین روابط برخی از متغیرها و مفاهیم مذکور شد.

این پژوهش نشان‌دهنده این است که رفتار مالی مخرب اشخاص متأثر از نگرش ریسک مالی، دانش مالی، باورهای جزم‌انگارانه و اضطراب مالی است. بر این اساس تصمیمات مالی فرد که منجر به بروز رفتار مالی است، تا حد زیادی به نگرش ریسک مالی وی بستگی دارد که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ابعاد مختلف رفتار مالی او داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تقویت دانش مالی، مدیریت اضطراب و استرس و تغییر نظام باورهای جزم‌گرایانه مالی، موجب تغییر رفتار مالی افراد می‌شود.

بنابراین با توجه به دستاوردهای این پژوهش و پژوهش‌های پیشین می‌توان پیشنهاد نمود با توجه به شرایط اقتصادی کنونی ایران از حیث نرخ تورم، کاهش ارزش پول ملی، کاهش قدرت خرید مردم و نوسانات نرخ ارز و ... مسئولین ذیربط با ارائه راهکارها و تصمیمات عملی متناسب با این وضعیت، نسبت به کاهش عوامل ایجادکننده اضطراب‌های مالی، توسعه

دانش مالی واقعی و تغییر نگرش‌های مرتبط با بروز رفتار مالی همچون جزم اندیشی و نگرش‌های ریسکی عقلایی، با هدف پیشگیری و کاستن از رفتارهای مخرب مالی، بیش از پیش به این مقوله مهم توجه نمایند چرا که سلامت روانی و امنیت روانی آحاد جامعه و سرمایه‌گذاران در گرو اینگونه اقدامات است. همچنین نتایج این پژوهش کاربردی می‌تواند همواره علاوه علاوه بر ایجاد راهکارهایی برای تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان در سطح کشور، یاری دهنده مدیران بازار سرمایه، روان‌درمانان، مالی‌درمانان، سرمایه‌گذاران و اشخاص حقیقی و حقوقی قرار بگیرد. زیرا با روشن شدن عوامل ایجاد بروز رفتار مخرب مالی، بیماران مبتلا به این نوع اختلالات، طرح درمانی مطلوب‌تر و به تبع آن نتایج ملموس‌تری خواهند داشت.

به علاوه قابل ذکر است که در روند انجام این پژوهش محدودیت‌هایی از جمله امکان ارائه پاسخ‌های ناصحیح سرمایه‌گذاران به دلیل وجود ملاحظات رفتاری و حفظ حریم شخصی و مقطعی بودن پژوهش وجود داشت. همچنین آشنا نبودن همه پاسخ‌دهندگان به مفاهیم مالی و روانی دشواری کار را برای محققان دوچندان نمود. مضاف بر آن به دلیل عدم امکان نمونه‌گیری تصادفی، ناچاراً نمونه‌گیری به صورت غیر تصادفی انجام شد، بنابراین در تعمیم نتایج محدودیت ایجاد شده است. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق عدم امکان پردازش به رفتار مخرب مالی اعتیاد به قمار است که به دلیل مغایرت با قوانین شرعی و فرهنگ عمومی از ابعاد رفتار مالی مخرب حذف گردید.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

نظری، محمد سجاده؛ تائبی نقدری، امیر حسین و زینلی، حدیث. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر جامعه‌پذیری مالی بر رضایتمندی مالی سرمایه‌گذاران با توجه به نقش میانجی‌گری جزم‌نگری مالی. *مجله دانش حسابداری*، ۱۳(۱)، ۱۶۵-۱۴۱. DOI: 10.22103/jak.2022.18668.3633

References

- Nazari, M.S., Taebi Noghondari, A.H., & Zeinali, H. (2022). Investigating the effect of financial socialization on financial satisfaction with regard to the mediating role of financial dogmatism. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(1), 141-165 DOI: 10.22103/jak.2022.18668.3633 [In Persian].
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179±211. [https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T).
- Alba, J.W., & Hutchinson, J.W. (2000). Knowledge calibration: What consumers know and what they think they know? *Journal of Consumer Research*, 27(2), 123-156 <https://doi.org/10.1086/314317>.
- Allen, M.S., Greenlees, I., & Jones, M.V. (2014). Personality, counterfactual thinking, and negative emotional reactivity. *Psychology of Sport and Exercise*, 15(2), 147-154 <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2013.10.011>.
- Anbar, A., & Eker, M. (2010). An empirical investigation for determining of the relation between personal financial risk tolerance and demographic characteristic. *Ege Academic Review*, 10(2), 503-523 <https://ssrn.com/abstract=1732236>.
- Anderson, M.A., Gillig, P.M., Sitaker, M., McCloskey, K., Malloy, K., & Grigsby, N. (2003). Why doesn't she just leave? A descriptive study of victim reported impediments to her safety. *Journal of Family Violence*, 18(3), 151-155 <https://doi.org/10.1023/A:1023564404773>.
- Angulo-Ruiz, F., & Pergelova, A. (2015). An empowerment model of youth financial behavior. *Journal of Consumer Affairs*, 49(3), 550-575. <https://doi.org/10.1111/joca.12086>.

- Archuleta, K.L., Britt, S.L., Tonn, T.J., & Grable, J.E. (2011). Financial satisfaction and financial stressors in marital satisfaction. *Psychological Reports*, 108(2), 563-576 <https://doi.org/10.2466/07.21.PR0.108.2.563-576>.
- Bell, M.M., Nelson, J.S., Spann, S.M., Molloy, C.J., Britt, S.L., & Gof, B.N. (2014). The impact of financial resources on soldiers' well-being. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 25(1), 41-52 <https://psycnet.apa.org/record/2014-35707-004>.
- Burchell, B.J. (2003). Identifying, describing and understanding financial aversion: Financial phobes. Report for EGG. Retrieved March 1, 2019 from [http://people.ds.cam.ac.uk/bb101/financiala versionreportburchell.pdf](http://people.ds.cam.ac.uk/bb101/financiala%20versionreportburchell.pdf).
- Byrne, B.M. (2013). Structural equation modeling with Mplus: Basic concepts, applications, and programming. New York, Routledge, <https://www.routledge.com/Structural-Equation-Modeling-with-Mplus-Basic-Concepts-Applications-and-Programming/Byrne/p/book/9781848728394>.
- Crowson, H.M. (2009). Does the DOG scale measure dogmatism? Another look at construct validity. *The Journal of Social Psychology*, 149(3), 365-383 DOI: 10.3200/SOCP.149.3.365-383.
- Davidov, M., Grusec, J.E. (2007). Socialization in the family: The roles of parents. *Handbook of Socialization Theory and Research*, New York, 284-308 <https://psycnet.apa.org/record/2006-23344-011>.
- Epstude, K., & Roese, N.J. (2008). The functional theory of counterfactual thinking. *Personality and Social Psychology Review*, 12, 168-192 DOI: 10.1177/1088868308316091.
- Faff, R., Mulino, D., & Chai, D. (2008). On the linkage between financial risk tolerance and risk aversion. *Journal of Financial Research*, 31(1), 1-23 <https://doi.org/10.1111/j.1475-6803.2008.00229.x>.
- Field, A. (2013). Discovering statistics using IBM SPSS statistics: And sex and drugs and rock "N" roll. 4th Edition, Sage, Los Angeles, London, New Delhi, <https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=2046660>.
- Gallen, R. (2002). The money trap: A practical program to stop self-defeating financial habits so you can reclaim your grip on life. New York: Harper Collins Publishers, <https://www.amazon.com/Money-Trap-Practical-Self-Defeating-Financial/dp/0066211581>.
- Gasiorowska, A. (2014). The relationship between objective and subjective wealth is moderated by financial control and mediated by money anxiety. *Journal of Economic Psychology*, 43, 64-74 <https://doi.org/10.1016/j.joep.2014.04.007>.
- Goswami, K., Hazarika, B., & Handique, K. (2017). Determinants of financial risk attitude among the handloom micro-entrepreneurs in North East India. *Asia Pacific Management Review*, 22(4), 168-175 <https://doi.org/10.1016/j.apmr.2017.07.013>.
- Grable, J., & Lytton, R.H. (1999). Financial risk tolerance revisited: The development of a risk assessment instrument. *Financial Services Review*, 8(3), 163-181 [https://doi.org/10.1016/S1057-0810\(99\)00041-4](https://doi.org/10.1016/S1057-0810(99)00041-4).
- Grable, J., Heo, W., & Rabbani, A. (2015). Financial anxiety, physiological arousal, and planning intention. *Journal of Financial Therapy*, 5(2), 2 <https://doi.org/10.4148/1944-9771.1083>.
- Grable, J.E., Archuleta, K.L., Ford, M., Gale, J., & Goetz, J. (2019). The moderating effect of generalized anxiety and financial knowledge on financial management behavior. Research paper to be presented at the Financial Therapy Association Annual Conference, Austin, TX, <https://fppperformancelab.org/wp-content/uploads/The-Moderating-Effect-of-Generalized-Anxiety-and-Financial-Knowledge-on-Financial-Management-Behavior.pdf>.
- Gurney, D.J., McKeown, S., Churchyard, J., Howlett, N. (2013). Believe it or not: Exploring the relationship between dogmatism and openness within non-religious samples. *Personality and Individual Differences*, 55(8), 936-940 <https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.07.471>.
- Hair, J.F., Black, W.C., Babin, B.J., Anderson, R.E. (2010). Multivariate data analysis: International version. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education. Haley, R.I. (1968). Benefit segmentation: a decision-oriented research tool. *The Journal of Marketing*, 32(3), 30-35 <https://www.drnishikantjha.com/papersCollection/Multivariate%20Data%20Analysis.pdf>.
- Hayes, A.F. (2018). Partial, conditional, and moderated moderated mediation: Quantification, inference, and interpretation. *Communication Monographs*, 85(1), 4-40 <https://doi.org/10.1080/03637751.2017.1352100>.
- Hunsberger, B., Altemeyer, B. (2006). *Atheists: A groundbreaking study of America's nonbelievers*: Prometheus Books, <https://www.amazon.com/Atheists-Groundbreaking-Study-Americas-Nonbelievers/dp/1591024137>.

- Joo, S.H., & Grable, J.E. (2004). An exploratory framework of the determinants of financial satisfaction. *Journal of Family and Economic Issues*, 25(1), 25-50 <https://doi.org/10.1023/B:JEEI.0000016722.37994.9f>.
- Kalra Sahi, S., Dhameja, N., & Pratap Arora, A. (2012). Predictors of preference for financial investment products using CART analysis. *Journal of Indian Business Research*, 4(1), 61-86 <https://doi.org/10.1108/17554191211206807>.
- Keller, C., & Siegrist, M. (2006). Investing in stocks: The influence of financial risk attitude and values-related money and stock market attitudes. *Journal of Economic Psychology*, 27(2), 285-303 <https://doi.org/10.1016/j.joep.2005.07.002>.
- Klontz, B., Britt, S.L., Mentzer, J., & Klontz, T. (2011). Money beliefs and financial behaviors: Development of the Klontz Money Script Inventory. *Journal of Financial Therapy*, 2(1), 1-22 <https://newprairiepress.org/jft/vol2/iss1/1>.
- Klontz, B., & Klontz, T. (2009). *Mind over money: Overcoming the money disorders that threaten our financial health*. New York: Broadway Business, <https://www.amazon.com/Mind-over-Money-Overcoming-Disorders/dp/B008PHVA4U>.
- Klontz, B., Bivens, A., Klontz, P., Wada, J., & Kahler, R. (2008). The treatment of disordered money behaviors: Results of an open clinical trial. *Psychological Services*, 5(3), 295-308 <https://doi.org/10.1037/1541-1559.5.3.295>.
- Klontz, B., Britt, S.L., Archuleta, K.L., & Klontz, T. (2012). Disordered money behaviors: Development of the Klontz money behavior inventory. *Journal of Financial Therapy*, 3(1), 2 <https://doi.org/10.4148/jft.v3i1.1485>.
- Krohne, H.W. (2002). Stress and coping theories. *Int Encyclopedia of the Social Behavioral Sciences* [cited 2021], <https://doi.org/10.1016/B0-08-043076-7/03817-1>.
- Medintz, S. (2004). Secrets, lies, and money. *Money*, 34(4), 121-128, https://money.cnn.com/magazines/moneymag/moneymag_archive/2005/04/01/8254979/index.htm.
- Mugenda, O.M., Hira, T.K., & Fanslow, A.M. (1990). Assessing the causal relationship among communication, money management practices, satisfaction with financial status, and satisfaction with quality of life. *Lifestyles*, 11(4), 343-360 <https://doi.org/10.1007/BF00987345>.
- Norvilitis, J.M., Merwin, M.M., Osberg, T.M., Roehling, P.V., Young, P., & Kamas, M.M. (2006). Personality factors, money attitudes, financial knowledge, and credit-card debt in college students. *Journal of Applied Social Psychology*, 36(6), 1395-1413 <https://doi.org/10.1111/j.0021-9029.2006.00065.x>
- Ricciardi, V. (2008). The psychology of risk: The behavioral finance perspective. *Handbook of Finance*, <https://ssrn.com/abstract=1155822>.
- Kalra, S.K. & Sahi, S.K. (2013). Measuring financial risk taking using a dual preference approach for determination of financial satisfaction.
- Saurbh, k., Nandan, T. (2018). Role of Financial Knowledge, Financial Socialization and Financial Risk Attitude in Financial Satisfaction of Indian Individuals. *International Journal of Indian Culture and Business Management*, 18(1), 104-122 <https://ideas.repec.org/a/ids/ijicbm/v18y2019i1p104-122.html>.
- Schneider, J. (2000). The increasing financial dependency of young people on their parents. *Journal of Youth Studies*, 3(1), 5-20 DOI: [10.1080/136762600113004](https://doi.org/10.1080/136762600113004).
- Shapiro, G.K., & Burchell, B.J. (2012). Measuring financial anxiety. *Journal of Neuroscience, Psychology, and Economics*, 5(2), 92-103 <https://doi.org/10.1037/a0027647>.
- Shim, S., Barber, B.L., Card, N.A., Xiao, J.J., & Serido, J. (2010). Financial socialization of first-year college students: The roles of parents, work, and education. *Journal of Youth and Adolescence*, 39(12), 1457-1470 DOI: [10.1007/s10964-009-9432-x](https://doi.org/10.1007/s10964-009-9432-x).
- Sparks, J. (2020). Going beyond a positive-negative dichotomy in judgment and decision making research: Insights for framing, counterfactual thinking, and ambivalence. *Social and Personality Psychology Compass*, 14(2), e12519 <https://doi.org/10.1111/spc3.12519>.
- Spence, J.T., & Robbins, A.S. (1992). Workaholism: Definition and preliminary results. *Journal of Personality Assessment*, 58(1), 160-178 DOI: [10.1207/s15327752jpa5801_15](https://doi.org/10.1207/s15327752jpa5801_15).
- Tang, T.L.P., Chiu, R.K. (2003). Income, money ethic, pay satisfaction, commitment, and unethical behavior: Is the love of money the root of evil for Hong Kong employees? *Journal of Business Ethics*, 46(1), 13-30 DOI: [10.1023/1024731611490](https://doi.org/10.1023/1024731611490).

- Tigges, P., Riegert, A., Jonitz, L., Brenglemann, J., & Engel, R.R. (2000). Risk behavior of East and West Germans in Handling Personal Finances. *The Journal of Psychology and Financial Markets*, 1, 127-134 https://doi.org/10.1207/S15327760JPFM0102_4.
- Tolin, D., Frost, R., & Steketee, G. (2007). *Buried in treasures: Help for compulsive acquiring, saving and hoarding*. Oxford, England: Oxford University Press, <https://www.amazon.com/Buried-Treasures-Compulsive-Acquiring-Treatments/dp/0199329257>.
- Wang, A. (2009). Interplay of investors' financial knowledge and risk taking. *The Journal of Behavioral Finance*, 10(4), 204-213 <https://doi.org/10.1080/15427560903369292>.
- Ward, S. (1974). Consumer socialization. *Journal of Consumer Research*, 1(2), 1-14 <https://www.jstor.org/stable/2489100>.
- Webley, P., Lewis, A., Mackenzie, C. (2001). Commitment among ethical investors: An experimental approach. *Journal of Economic Psychology*, 22(1), 27-42 [https://doi.org/10.1016/S0167-4870\(00\)00035-0](https://doi.org/10.1016/S0167-4870(00)00035-0).
- Winnett, A., & Lewis, A. (2000). You'd have to be green to invest in this: Popular economic models, financial journalism, and ethical investment. *Journal of Economic Psychology*, 21(3), 319-339 DOI: [10.1016/S0167-4870\(00\)00007-6](https://doi.org/10.1016/S0167-4870(00)00007-6).
- Pittman, C.M., & Karle, E.M. (2015). *Rewire your anxious brain: How to use the neuroscience of fear to end anxiety, panic & worry*. Oakland, CA: New Harbinger Publications, <https://www.amazon.com/Rewire-Your-Anxious-Brain-Neuroscience/dp/1626251134>.
- Klontz, B.T., & Lawson, D.R., Mackenzie, C. (2019). Identifying problematic financial behaviors and money disorders. *Financial Counseling*, 153-168 DOI: [10.1007/978-3-319-72586-4_11](https://doi.org/10.1007/978-3-319-72586-4_11).